مجله ایمنی زیستی
دوره ۷، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳

پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی آن

جواد صالحی
استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

Javadsalehi@Pnu.ac.ir

چکیده

دولت‌ها متعهد به حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها هستند. دولت‌ها باید کلیه‌ی اقدامات لازم را در این زمینه بعمل آورند. پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی ناشی از فعالیت‌های دریایی، در صلاحیت دولت‌های ساحلی است. دولت‌های ساحلی با تصویب قوانین لازم بر پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی ناشی یا در ارتباط با فعالیت‌های کشتی‌های خارجی در مناطق تحت حاکمیت خود اقدام می‌کنند. مسئولیت نقض قوانین و مقررات دولت ساحلی و جبران خسارات ناشی از آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی آن از سوی کشتی‌های خارجی برعهده‌ی دولت‌های صاحب پرچم آن‌ها قرار می‌گیرد. این مسئولیت بخاطر فعالیت‌های کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها در دریای سرزمینی دولت ساحلی یا دریاهای آزاد می‌باشد، که تحت کنترل و نظارت آن‌ها قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: زیست محیط دریاها، مسئولیت دولت صاحب پرچم، مسئولیت دولت ساحلی، کنوانسیون حقوق دریاها.

مقدمه

فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها، به حفاظت و حمایت از زیست محیط دریاها از کلیه‌ی آلودگی‌های دریایی تصریح دارد. بر اساس ماده‌ی ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌ها متعهد به حمایت و حفاظت از زیست محیط دریا هستند. به همین دلیل لازم است که دولت‌ها کلیه‌ی اقدامات لازم را بعمل آورند، تا این‌که فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیت آن‌ها، موجب خسارت ناشی از آلودگی به کشورهای دیگر یا زیست محیط آن‌ها نشود و آلودگی‌های ناشی از حوادث یا فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها به نواحی خارج از تحت حاکمیت آن‌ها گسترش پیدا نکند. فرقی نمی‌کند که این آلودگی ناشی از تاسیسات و ادوات مورد استفاده در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی بستر و زیربستر دریا (ر.ک. ماده‌ی (c)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها) یا ناشی از سایر تاسیسات و ادوات مورد استفاده در زیست محیط دریاها برای جلوگیری از حوادث، تضمین ایمنی عملیات در دریا و ... باشد (ر.ک. ماده ی (d)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها). در صورت بروز هر گونه آلودگی اقدامات

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

لازم برای حمایت و حفاظت اکوسیستم‌های کمیاب یا شکننده، زیستگاه نمونه موجودات بسیار کاهش یافته، در معرض تهدید یا خطر و انواع دیگر موجودات دریایی در الویت هستند (ر.ک. ماده ی (۵)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها).

بر اساس ماده ی ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌ها موظف به همکاری در حمایت از زیست محیط دریاها هستند. تعهد به همکاری، از اصول اساسی در جلوگیری از آلودگی زیست محیط دریاها بر اساس فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر مقررات بین‌المللی است (۱٤). تعهد به حمایت از زیست محیط دریایی مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها منجر به ایجاد حقوق عرفی شده است (۸). بر اساس مواد (۱)۲۰۸ و (۳)۲۰۸ کنوانسیون حقوق دریاها، پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی ناشی از فعالیت‌های در بستر دریا، در صلاحیت ملی دولت‌های ساحلی است. دولت‌های ساحلی با تصویب قوانین لازم بر پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی زیست محیط دریاها، ناشی یا در ارتباط با فعالیت‌های در بستر دریا تحت صلاحیت خود اقدام می‌کنند. این قوانین، مقررات و اقدامات از چارچوب قواعد بین‌الملل، استانداردها، رویه‌ها و ضوابط توصیه شده خارج نیستند. در عین‌حال که مقررات کنوانسیون حقوق دریاها شامل کلیت زیست محیط دریاها است، به حوزه‌های تحت صلاحیت دولت‌های ساحلی نیز سرایت می‌کند. از این منظر، جامعیت مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای جلوگیری از هر نوع آلودگی زیست محیط دریاها، تعهدی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند (۱۳).

تعهد کشورها به جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی بر اساس مقررات (۱)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها، تابع توانایی‌های آن‌ها در این مساله است. تعهد به اتخاذ «کلیه‌ی اقدامات لازم» دولت را در شرایطی قرار می‌دهد که از «بهترین ابزار عملی در دسترس و منطبق با توانایی‌های خود» استفاده کند. این وضعیت باعث می‌شود که دست دولت در اتخاذ «اقدامات لازم» باز باشد و حسب مورد، به تشخیص خود اقدام کند. لیکن اگر محدودیت‌های ماده‌ی ۲۰۸ کنوانسیون حقوق دریاها را بر مقررات ماده‌ی (۱)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها قابل تسری بدانیم، آن وقت است که قوانین، مقررات و اقدامات دولت ساحلی برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی، نباید از استانداردهای مقررات بین‌المللی کمتر باشد. این وضعیت بر مسئولیت دولت ساحلی در جلوگیری از آلودگی می‌افزاید (۸)، در عین‌حال که مقرات کنوانسیون حقوق دریاها را در ایجاد تعهدات حقوقی دولت‌های ساحلی در چارچوب کلی‌تر برای حفاظت از زیست محیط دریاها قرار می‌دهد.

بر اساس ماده‌ی ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌ها برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها، مسئولیت دارند. این مسئولیت به دولت‌های صاحب پرچم همانند دولت‌های ساحلی، در رابطه با فعالیت‌های مجاز تحت کنترل یا صلاحیت خود تسری پیدا می‌کند. دولت‌های صاحب پرچم، دولت‌های هستند که کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها در مناطق دریایی تحت صلاحیت دولت‌های ساحلی یا تحت کنترل سازمان‌های شیلات منطقه‌ای، به فعالیت ماهیگری می‌پردازند. در حالی که مسئولیت تخریب زیست محیط دریاها، بر اساس حقوق بین‌الملل تعیین

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

می‌شود، دولت‌های صاحب پرچم بر اساس ماده‌ی ۲۳۵(۲) کنوانسیون حقوق دریاها باید تضمین کنند که در سیستم‌های حقوقی آن‌ها، برای پرداخت غرامت فوری و کافی یا سایر طرق جبران خسارت در رابطه با خسارات ایجاد شده ناشی از آلودگی زیست محیط دریاها توسط کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها در دسترس مرجع ذی‌صلاح قرار گرفته است. لیکن دولت‌های صاحب پرچم، قبل و بیش از تامین منبع خسارت، باید تلاش کنند که فعالیت کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها تحت کنترل و نظارت آن‌ها قرار گیرد. این دولت‌ها مطابق مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، مسئولیت دارند که با اقدام مقتضی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های داخلی، فعالیت کشتی‌های حامل پرچم خود را در آب‌های سرزمینی دولت ساحلی یا دریاهای آزاد تحت کنترل و نظارت خود قرار دهند. این نوشتار درصدد است که پس از بررسی صلاحیت دولت در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها (الف) به تحلیل مسئولیت دولت در جبران خسارت وارده شده به زیست محیط دریاها (ب) بپردازد. لیکن بررسی دقیق مسئولیت، عمدتا متوجه مسئولیت دولت صاحب پرچم در کنترل فعالیت و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های کشتی حامل پرچم (ج) است که موضوع اصلی این نوشتار است.

صلاحیت دولت‌ها در حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها

در عین‌حال که تاثیرگذاری بشریت بر زیست محیط دریاها اجتناب‌ناپذیر است، فعالیت‌های حقوقی دولت‌ها در این عرصه، آثار مخربی برجای گذاشته است. اراده‌ی عام جامعه‌ی جهانی بر پیشگیری، کنترل و جلوگیری از بروز صدمات زیست محیطی و تاثیر مستقیم و غیرمستقیم این خسارات بر بقاء جوامع انسانی باعث شده است که پرداختن به موضوع جبران خسارات زیست محیطی اجتناب ناپذیر باشد (٦). کنوانسیون حقوق دریاها مقرراتی را در اختیار دولت‌ها قرار داده است که به موجب آن به کنترل آلودگی دریاها بپردازند. مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، اگرچه واجد مقررات دقیق و خاصی در این زمینه نیست، لیکن دربرگیرنده‌ی بایسته‌هایی کلی است که منجر به پاکیزه ماندن زیست محیط دریا می‌شود (۱۱). همان‌طور که تعهد دولت‌ها برای جلوگیری از ایراد خسارت به سرزمین دولت دیگر، یک تعهد یک‌جانبه نیست، کلیه دولت‌ها ملزم هستند که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی برای جلوگیری از آلودگی زیست محیط دریا به همکاری با یکدیگر بپردازند. تعهد عام همکاری دولت‌ها در مسائل زیست محیطی، ریشه در واقعیت «محیط زیست؛ میراث مشترک بشریت» دارد (٤). در این شرایط، تعهد دولت‌ها نسبت به زیست محیط دریاها، اگرچه به‌معنای جلوگیری مطلق از آلودگی نیست، لیکن واجد تعهداتی به انجام اقدام مقتضی (Due Diligence) از سوی دولت‌ها برای ایجاد حداقل آلودگی به زیست محیط دریاها است.

در حالی‌که مقررات مواد ۱۹۲ تا ۱۹٤ و ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها، به حمایت از زیست محیط دریایی می‌پردازد، کلیات مسئولیت و تعهد دولت‌ها بر حمایت و حفاظت از زیست محیط دریا باعث شده است، تشخیص، تصویب و اجرای قوانین لازم در این حوزه، برعهده‌ی دولت‌ها قرار گیرد. کلی‌نگری تنظیم کنندگان کنوانسیون حقوق دریاها، باعث شده است که بطور مثال مفهوم «خسارت» موجد مسئولیت دولت‌ها

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

تعریف نشود و صرفا به توضیحات مقرر در ماده‌ی ۱(۱)(d) کنوانسیون حقوق دریاها راجع به آلودگی به‌عنوان معیاری برای خسارت اکتفا شود. آلودگی زیست محیط دریا در این ماده شامل؛ ورود صدمه و خسارت به منابع زنده و حیات دریا، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیت‌های ماهی‌گیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب دریا معرفی شده است. لیکن این حد از تشریح مفهوم خسارت برای تعیین مسئولیت دولت خاطی کفایت نمی‌کند. علاوه بر این، کنوانسیون حقوق دریاها واجد هیچ مقرراتی برای جبران خسارت نیست.

با این‌حال حقوق بین‌الملل محیط زیست، دربرگیرنده‌ی تعاریف متفاوتی از مفهوم خسارت زیست محیطی است (۷). از این منظر، معانی متفاوت در شرایط متفاوت کاربرد پیدا می‌کند. خسارت به منابع طبیعی بسیار سختگیرانه‌تر از خسارت به اموال تعریف شده است. لیکن به طورکلی خسارت زیست محیطی، دربرگیرنده‌ی دو عنصر زیست محیط و غرامت است. در رابطه با عنصر زیست محیط، در عین حال که لازم نیست خسارت یا صدمه‌ی ملموسی به زیست محیط وارد شود، لیکن خسارت بی‌ارتباط با محیط زیست در این چارچوب قرار نمی‌گیرد (Ibid). تعاریف خسارت با آلودگی زیست محیطی در دو گروه، خسارت معمول در حقوق مدنی و خسارت به محیط زیست قرار می‌گیرند (۱۰). کنوانسیون حقوق دریاها، به مفهوم «خسارت ناشی از آلودگی» در ماده‌ی ۲۳۵ کنوانسیون اشاره کرده است، در حالی‌که واژه‌ی خسارت در هیچ‌یک از مقررات کنوانسیون تعریف نشده است (۱۲).

از این منظر تعهد واقعی ناشی از نقض مقررات مواد ۱۹۲ تا ۱۹٤ و ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها، به سختی محقق می شود. چرا که دولت‌ها باید این مقررات را بر اساس توانایی‌های خویش به اجرا بگذارند. مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، از دولت‌ها خواسته است که در سیستم‌های حقوقی خود، زمینه را برای پرداخت غرامت فوری و کافی یا دیگر طرق جبران خسارت در ارتباط با خسارات ایجاد شده در اثر آلودگی زیست محیط دریاها توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت فراهم کنند. این درخواست به این معنا است که دولت‌ها متعهد به توسعه‌ی سیستم‌های ملی در حمایت از زیست محیط می‌باشند، تا حدی که این سیستم‌های ملی، پاسخگوی خسارات وارده به زیست محیط باشند. از دولت‌ها انتظار می‌رود که برای توسعه‌ی حقوق بین‌الملل در رابطه با تعهد و مسئولیت ارزیابی و جبران خسارت وارده به زیست محیط دریاها تلاش کنند. لذا دولت‌ها وظیفه دارند در ارتباط با مسئولیت جبران خسارت آثار زیان‌بار ناشی از فعالیت‌های آن‌ها در قلمرو تحت حاکمیت یا کنترل بر مناطق خارج از قلمرو خود، با دیگر کشورها همکاری کنند و زمینه‌ی تصویب قوانین بین‌المللی را فراهم نمایند.

ب) مسئولیت دولت در جبران خسارت وارده شده به زیست محیط دریاها

تعهد به جبران خسارت وارده شده به زیست محیط دریاها، از موضوعات پیچیده‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این تعهد، بخشی از مسئولیت حقوقی حفظ زیست محیط دریاها است. مفهوم کلی «مسئولیت دولت»، لازم است از مفهوم «مسئولیت دولت در جلوگیری، کاهش یا کنترل صدمات زیست محیطی» تفکیک شود. اصل عدم خسارت به زیست

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

محیط دریاها، به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل محیط زیست برگرفته از اعلامیه‌ی ریو است. اصل ۱۳ اعلامیه‌ی محیط زیست و توسعه (اعلامیه ریو)، دولت‌ها را به همکاری و مشارکت جدی به منظور توسعه‌ی هر چه بیشتر حقوق بین‌الملل، در زمینه‌ی مسئولیت ناشی از اعمال منع شده و جبران خسارات زیست محیطی در اثر فعالیت‌های داخل در مناطق تحت صلاحیت یا کنترل خویش که آثار آن به مناطق خارج از صلاحیت آن‌ها وارد می‌شود، فرا می‌خواند (۵).

لذا اصل عدم خسارت به زیست محیط، ارتباط تنگاتنگی با اصل مسئولیت دولت دارد. البته در عین حال که این دو یک هدف را دنبال می‌کنند، ضروری است که میان آن‌ها تفکیک قائل شویم (۱۵). تعهد، اشاره به الزام به پرداخت غرامت برای خسارات دارد. مسئولیت، دربرگیرنده‌ی این تعهد توام با دیگر مسئولیت‌ها، در رابطه با جلوگیری از ایراد خسارت به زیست محیط است. در عین‌حال که برخی از حقوقدانان میان مفاهیم؛ «مسئولیت» و «تعهد» تمایز قائل می‌شوند (۱۳)، برخی دیگر این دو واژه را به‌جای یکدیگر بکار می‌گیرند (۸). برخی دیگر تنها از تعهد دولت (۱۵) و برخی دیگر تنها از مسئولیت دولت (۹) سخن به میان می‌آورند. اما به نظر می‌رسد که «مسئولیت»؛ اشاره به الزام دولت‌ها و «تعهد»؛ واجد فرآیند منتهی به نقض این الزامات است.

اصل مسئولیت بین‌المللی دولت، نسبت به فعالیت‌های برون مرزی، منجر به خطرات زیست محیطی بین‌المللی برای اولین بار در حکم داوری کارخانه‌ی ذوب فلز تریل اسملتر بین ایالات متحده و کانادا در سال ۱۹۴۱ به رسمیت شناخته شد. دیوان استدلال کرد که «به موجب اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به نحوی استفاده کند، یا اجازه‌ی استفاده از آن را بدهد که نشت گازهای آلاینده منجر به ورود خسارت در قلمرو کشور دیگر و نسبت به اموال و اشخاص واقع در آن شود» (۲). از این جهت دولت هم در استفاده از قلمرو سرزمین خود و هم در دادن مجوز صریح یا ضمنی برای استفاده از قلمرو یک شخص یا یک واحد غیردولتی که مسبب ورود خسارت به کشور خارجی و مالکیت اشخاص می‌باشد، دارای ممنوعیت است (۳).

با این وجود در پرونده‌های زیست محیطی، تعیین مسئول خسارت، از موضوعات چالش برانگیز است. اثبات رابطه‌ی علیت میان خسارت و عمل موجد آن بر این چالش می‌افزاید. در رابطه با جرایم زیست محیطی، عمدتا به مسئولیت مطلق تکیه می‌شود. در نظام‌های مبتنی بر مسئولیت مطلق، فرض بر وجود تقصیر گرفته می‌شود، مگر این‌که صاحب فرض توجه آن را به دیگری اثبات کند. در این نظام اثبات «قصور از اقدام مقتضی» نیازی نیست (۱۱). لیکن در نظام‌های مبتنی بر مسئولیت ناشی از تقصیر، لازم است برای اثبات مسئولیت دولت وقوع «قصور از اقدام مقتضی» ثابت شود. تفکیک در نظام‌های مبتنی بر مسئولیت مطلق و مسئولیت ناشی از تقصیر، در حالی است که در بررسی مسئولیت‌های بین‌المللی، نیازی به اثبات تقصیر نیست (۹). دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، متعهد به جلوگیری از ایراد صدمه به زیست محیط دریاها هستند. البته با توجه به این تعهد لازم است که میان فعالیت‌های مخاطره آمیز و فعالیت‌های معمول دولت‌ها تفکیک قائل شویم، به نحوی که مسئولیت مطلق را برای فعالیت‌های فوق‌العاده مخاطره‌آمیز

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

دولت‌ها نسبت به زیست محیط در نظر بگیریم تا این‌که دولت‌ها برای جلوگیری از خطرات احتمالی این فعالیت‌ها، ملزم به انجام اقدامات احتیاطی باشند. در این شرایط التزام به جبران خسارت زیست محیطی بر اساس قاعده‌ی عام مسئولیت بین‌المللی، به‌عنوان اصل مبنایی، در جهت حمایت و حفاظت از زیست محیط دریاها مورد شناسایی واقع شده است. لیکن مطالبه‌ی جبران خسارات زیست محیطی در عرصه‌ی بین‌الملل با «فقدان رویه‌ی قضایی مواجه است» (٤) که این وضعیت، کار را کمی پیچیده‌تر می سازد.

مسئولیت دولت صاحب پرچم در کنترل فعالیت و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های کشتی حامل پرچم

مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، از دولت‌های صاحب پرچم می‌خواهد که زیست محیط دریاها را از آلوده شدن حفاظت و حمایت نمایند و کلیه‌ی اقدامات لازم را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی زیست محیط دریا انجام دهند. دولت‌ها بر این اساس موظف به انجام اقدامات لازم هستند، برای اطمینان از این‌که فعالیت‌های تحت کنترل و صلاحیت آن‌ها منجر به ایراد خسارت ناشی از آلودگی به زیست محیط دریاها نمی‌شود (ر.ک. ماده‌ی (۲)۱۹٤ کنوانسیون حقوق دریاها). تعهد دولت صاحب پرچم به حمایت از زیست محیط دریا در فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها تشریح شده است. دولت صاحب پرچم، باید قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی زیست محیط دریاها ناشی از فعالیت کشتی موظف به رعایت حداقل استانداردهای بین‌المللی را تصویب کند. دولت صاحب پرچم، باید اطمینان حاصل کند که مقررات مصوب در چارچوب مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی زیست محیط دریا ناشی از کشتی تصویب شده‌اند و اقدامات لازم برای اجرایی شدن آن صورت گرفته است (ر.ک. ماده‌ی (۱)۲۱۷ کنوانسیون حقوق دریاها). علاوه بر این، دولت صاحب پرچم باید اجرای موثر این ضوابط، استانداردها و قوانین را صرف‌نظر از این‌که ممکن است در کجا نقض شوند، تضمین کنند. وظایف دولت صاحب پرچم در واکنش به نقض مقررات از سوی کشتی حمل کننده‌ی پرچم وی شامل تحقیق، تشکیل دادرسی و اعمال مجازات‌ها است. وظایف دولت صاحب پرچم در رابطه با مسائل اداری و فنی برای حفاظت و حمایت از زیست محیط دریاها در ماده‌ی (۳)۲۱۷ کنوانسیون حقوق دریاها تشریح شده است که شامل صدور گواهی‌های مطابق با قواعد و استانداردهای بین‌المللی سازمان‌های صلاحیت‌دار و بازرسی‌های دوره‌ای برای احراز صحت گواهی‌های فوق با وضعیت واقعی کشتی است (۱).

با این وجود برای تعیین مسئولیت‌های دولت صاحب پرچم، در آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز کشتی حامل پرچم وی در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی دولت ثالث، ابتدا لازم است که مفهوم دولت ثالث شناسایی شود. کشتی در حقوق بین‌الملل، تابعیت دولتی را دارد که پرچم آن را حمل می‌کند (ر.ک. ماده‌ی (۱)۹۱ کنوانسیون حقوق دریاها). دولتی که مجوز حمل پرچم خود را به یک کشتی می‌دهد، با این مجوز، مسئولیت‌های حقوقی فعالیت‌های این کشتی را برعهده می‌گیرد. در عین حال دولت صاحب پرچم، برای اعطای تابعیت به یک کشتی، محدودیت‌هایی را در فعالیت‌های کشتی ایجاد می‌کند.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

دولت صاحب پرچم، رعایت تعهدات قراردادی، قوانین ملی و مقررات مربوط به فعالیت ماهیگیری را به کشتی متبوع تحمیل می‌کند. با این وجود کشتی‌های حامل پرچم دولت متبوع، قوانین و مقررات بین‌المللی و دولت ساحلی را در زمینه‌ی آلودگی زیست محیط دریاها و ماهیگیری نقض می‌کنند. تحت این شرایط، اهمیت اعطای مجوز حمل پرچم به کشتی‌های ناقض قوانین و مقررات مانع از آلودگی زیست محیط دریاها و ماهیگیری غیرمجاز، روشن می‌شود.

لیکن حفظ منافع دولت صاحب پرچم، با از بین رفتن منافع دولت ساحلی در آلودگی زیست محیط دریاها و بهره‌برداری غیرمجاز از منابع منطقه‌ای انحصاری اقتصادی وی ممکن نیست. دولت ساحلی بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود حق حاکمیت دارد (ر.ک. ماده ی (a)(۱)٥٦ کنوانسیون حقوق دریاها). دولت ساحلی به موجب این حق، متعهد به تعیین حد مجاز صید منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود است، در عین حال که برای جلوگیری از بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع زنده‌ی این منطقه، اقدامات مدیریتی و حفاظتی مناسبی را نیز اتخاذ می‌کند (ر.ک. ماده‌ی ٦١ کنوانسیون حقوق دریاها). با این وجود دولت ساحلی، حقوق و تکالیف دیگر دولت‌ها را در اکتشاف و بهره‌برداری از این منابع در نظر می‌گیرد (ر.ک. ماده‌ی (۲)٥٦ کنوانسیون حقوق دریاها). لیکن دولت ساحلی در این راستا باید از «بهره‌برداری بهینه» این دولت‌ها و کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها اطمینان حاصل کند (ر.ک. ماده‌ی ٦٢ کنوانسیون حقوق دریاها). اگر دولت ساحلی توانایی بهره‌برداری کامل از منابع زنده‌ی قابل صید را در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی ندارد، باید اجازه دهد که دیگر دولت‌ها تا حد مجاز از این منابع بهره‌برداری کنند. دولت ساحلی، می‌تواند برای متعادل نگه داشتن حقوق (حق حاکمیت انحصاری بر منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی) و تکالیف خود (اجازه‌ی بهره‌برداری از مازاد منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی به دیگر دولت‌ها) به صدور مجوز صید بر اساس قراردادهای میان دولت ساحلی با دولت صاحب پرچم و کشتی حامل پرچم بپردازد، تا مانع صید غیرمجاز در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود شود.

تحت این شرایط، کنوانسیون حقوق دریاها بسیار ضعیف عمل کرده است. این کنوانسیون وظایفی را برای دولت صاحب پرچم به هنگام اعطای تابعیت خود به کشتی برشمرده است که این وظایف عمدتا مربوط به ثبت مشخصات، اطمینان از مسائل فنی و ایمنی، سلامت خدمه، ناخدا و کارکنان کشتی حامل پرچم و انجام تحقیقات لازم در صورت وقوع خسارت یا صدمه به اتباع، کشتی و زیست محیط دریایی تحت حاکمیت دولت‌های دیگر است (ر.ک. ماده‌ی ٩٤ کنوانسیون حقوق دریاها). در عین حال که برخی از مقررات این کنوانسیون، بطور غیرمستقیم دولت صاحب پرچم را مسئول صید غیرمجاز کشتی متبوع در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی دولت ثالث معرفی کرده است. بر اساس ماده‌ی (۳)٥٨ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت صاحب پرچم دارای حق بهره‌برداری از منابع زنده‌ی دولت ساحلی «باید به حقوق و وظایف دولت ساحلی احترام بگذارد و از قوانین و مقررات مصوب دولت ساحلی تبعیت کند». اگر دولت ساحلی قوانین و مقررات منع آلودگی

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود وضع کند، دولت صاحب پرچم مکلف است تضمین کند که کشتی حامل پرچم وی از این قوانین و مقررات تبعیت می‌کند. علاوه بر این، دولت ساحلی بر اساس مقررات ماده‌ی ۷۳ کنوانسیون حقوق دریاها، صلاحیت انجام اقداماتی از جمله؛ ورود به کشتی، بازرسی، بازداشت و رسیدگی‌های قضایی، برای اطمینان از تبعیت کشتی حامل پرچم از قوانین و مقررات خود در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی را دارد. دولت صاحب پرچم، به واسطه‌ی اعمال حق حاکمیت دولت ساحلی در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، مکلف به همکاری در ورود به کشتی، بازرسی، بازداشت و رسیدگی‌های قضایی دولت ساحلی است. به همین نحو اگر دولت ساحلی بخواهد اقدامات تحقیقاتی یا اجرایی را علیه کشتی حامل پرچم مظنون به آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز انجام دهد، دولت صاحب پرچم مکلف به همکاری با دولت ساحلی در این زمینه است، اگرچه هیچ ضمانت اجرایی بر این مقررات وارد نشده است.

از این منظر مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در این زمینه کفایت نمی‌کند. به همین دلیل ممکن است دولت ساحلی در قوانین و مقررات داخلی خود تعهداتی اضافی برای دولت صاحب پرچم بخاطر فعالیت‌های کشتیهای حامل پرچم وی در آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود وضع کند. دولت ساحلی ممکن است در قوانین داخلی مبتنی با مقررات بین‌المللی راجع به ممانعت از آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز از دولت صاحب پرچم بخواهد که فعالیت‌های کشتی حامل پرچم خود را برای پیشگیری از آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز تحت کنترل شدید بگیرد، یا این‌که سوابق آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز کشتی حامل پرچم خود را ثبت نماید و در اختیار دیگر دولت‌ها قرار دهد. دولت ساحلی ممکن است این محدودیت‌ها را در قراردادهای تنظیمی با دولت صاحب پرچم در صدور مجوز صید در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود ایجاد کند، که به‌همین ترتیب دولت صاحب پرچم مکلف است رعایت این قوانین و مقررات را به هنگام اعطای مجوز حمل پرچم به کشتی حامل پرچم خود تکلیف کند. علاوه بر این، دولت ساحلی ممکن است با ابزارهای در دسترس از جمله اعزام بازرس، نظارت‌های ماهواره‌ای، کنترل میزان صید و ... فعالیت‌های کشتی حامل پرچم را تحت کنترل و نظارت خود بگیرد.

نتیجه‌گیری

دولت‌ها در حفاظت و حمایت از زیست محیط دریاها مسئولیت دارند. دولت‌ها باید کلیه‌ی اقدامات لازم را به‌عمل آورند تا این‌که فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیت آن‌ها موجب آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی آن نشود. پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی ناشی از فعالیت‌های دریایی، در صلاحیت دولت های ساحلی است. دولت‌های ساحلی، با تصویب قوانین لازم بر پیشگیری، کاهش یا کنترل آلودگی زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی ناشی یا در ارتباط با فعالیت‌های کشتی‌های خارجی، در بستر دریای تحت صلاحیت خود اقدام می‌کنند. مسئولیت نقض قوانین و مقررات دولت ساحلی و جبران خسارات ناشی از آلودگی

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

زیست محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده‌ی آن از سوی کشتی‌های خارجی، برعهده‌ی دولت‌های صاحب پرچم آن‌ها قرار می‌گیرد. دولت صاحب پرچم، باید اجرای موثر این ضوابط، استانداردها و قوانین را، صرف‌نظر از این‌که ممکن است در کجا توسط کشتی‌های حامل پرچم خود نقض شوند، تضمین کنند. این مسئولیت، به‌خاطر فعالیت‌های کشتی‌های حامل پرچم آن‌ها در دریای سرزمینی دولت ساحلی یا دریاهای آزاد می‌باشد، که تحت کنترل و نظارت آن‌ها قرار گرفته است و دولت‌های صاحب پرچم، به هنگام اعطای مجوز حمل پرچم، بایسته‌های آن را مدنظر خویش قرار داده‌اند. دولت ساحلی در تعادل میان حق حاکمیت انحصاری بر منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود و حق اجازه‌ی بهره‌برداری از مازاد منابع زنده‌ی این منطقه، به صدور مجوز صید بر اساس قراردادهای با دولت صاحب پرچم و کشتی حامل پرچم می‌پردازد، تا مانع صید غیرمجاز در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود شود. لیکن ضمانت اجرا این قراردادها و محدودیت‌های مصرح در آن، برای جلوگیری از آلودگی زیست محیط این منطقه و صید غیرمجاز منابع زنده آن در کنوانسیون حقوق دریاها پیش‌بینی نشده است. دولت‌های ساحلی به ناچار به استناد دیگر مقررات بین‌المللی ابتکار عمل را به دست گرفته‌اند. آن‌ها از دولت‌های صاحب پرچم خواسته‌اند که فعالیت‌های کشتی حامل پرچم خود را برای پیشگیری از آلودگی زیست محیط و صید غیرمجاز در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، تحت کنترل شدید بگیرند یا این‌که سوابق قانون‌شکنی و صید غیرمجاز کشتی حامل پرچم خود را ثبت نمایند و گزارش آن را در اختیار دولت‌های ساحلی قرار دهند تا در آینده از صدور مجوز برای فعالیت این کشتی در صید منابع زنده‌ی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی ممانعت بعمل آید.

فهرست منابع

References

۱- پورنوری، م.؛ حبیبی، م.، (۱۳۸۳). حقوق بین الملل دریاها؛ کنوانسیون حقوق دریاها، چاپ اول، انتشارات مرکز ملی اقیانوس شناسی.

۲- جلالی، م.، (۱۳۸۸). تاسیس دادگاه بین المللی محیط زیست و مشکلات آن، فصل نامه ی حقوق، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، صفحات ۷۰-۵۵.

۳- رمضانی قوام آبادی، م.ح.، (۱۳۸٦). نگاهی به اصل استفاده غیرزیان بار(پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله ی علوم محیطی، سال چهارم، شماره ٤، صفحات ۷۱-۵۱.

٤- زمانی، ق.، (۱۳۸۱). توسعه ی مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست، مجله ی پژوهش های حقوقی، شماره ۱، صفحات ۵۸-۲۸.

۵- مجنونیان، ه.، (۱۳۷۷). راهبردها و معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]

٦- موسوی، ف. ا.؛ قیاسیان ف.، (۱۳۹۰). جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل، فصلنامه ی حقوق، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، صفحات ۳٤٦-۳۲۷.

7- Brans, E. H. P., (2001). Liability for Damage to Public Natural resources, Standing, Damage and Damage Assessment, Kluwer Law International Hague.

8- Birnie P.w., and Boyle A.E., (2009). International Law and the Environment, 3nd, Oxford New York.

9- Cassese, A., (2005). International Law, 2nd Edition, Oxford University Press,

10- De La Fayette, L. A., (2003). Compensation for Environmental Damage in Maritime Liability Regimes, in International Marine Environmental Law Institutions, Implementation and Innovations, ed. Kirchner, A. Kluwer law International.

11- Ebbeson, J., (1996). Compatability of International and National Environmental Law, Iustus Forlag Uppsala.

12- Kuokkanen, T., (1994). Defining Environmental Damage in International and Nordic Environmental Law, in the Legal Status of individual in Nardic Environmental Law, Juridica Lapponica Series10.

13- Louka, E., (2006). International Environmental Law: Fairness, Effectiveness, and World Order, Cambridge University Press.

14- Mox Plant Case, (2001). (Ireland v. United Kingdom), ITLOS Reports.

15- Sands, P., (2012). Principles of International Environmental Law, 3nd Edition, Cambridge University Press.

Prevention and Compensation the Damages Caused by Sea Environmental Pollution and Illegal Fishing its Live Resources

Javad Salehi
Assistant Professor of Law at Payam Noor University, Tehran, Iran

Javadsalehi@Pnu.ac.ir

Abstract
The Government oblige to supporting and protecting the sea environmental. Governments shall take all appropriate measures. Prevent, reduce or control pollution caused by maritime activities is in jurisdiction of the coastal State. The coastal State with the adoption of the necessary laws on environmental pollution prevention, reduction or control of the sea environment and illegal fishing live resources caused by or in connection with the activities of foreign ships in areas under its sovereignty claim. Responsibility for violation of the laws and regulations of the coastal State and compensation for losses caused by environmental pollution and illegal fishing environment of live it resources from the flag State. It is the responsibility of flag State because of the activities of their vessels in the territorial sea of the coastal State or the high seas, which is under his control and supervision.
Keywords: Sea Environmental, Flag State's Responsibilities, Coastal State's Responsibilities, Convention on the Law of the Sea.

[Downloaded from journalofbiosafety.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.27170632.1393.7.2.9.9]